



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله و اصحابه الى يوم الدين و اما بعد :

مسلمان پاکدامن و باحیاء است، شرم و حیاء جزو خوی مسلمان و از ایمان وی است. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: ایمان هفتادوآندی یا شصت و آندی اجزاء دارد، بالاترین آنها کلمه لا اله الا الله و کمترین آنها برطرف کردن مانع از سر راه است، حیاء نیز یکی از شعبه های ایمان است. و می فرماید: «الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ قُرْنَانِ فَإِذَا رُفِعَ أَحَدُهُمَا رُفِعَ الْآخَرُ» ترجمه: «حیاء و ایمان هردو همراه یکدیگرند هر گاه یکی از آن دو نباشد، دومی نیز نخواهد بود». فلسفه اینکه حیاء بخشی از ایمان می باشد، این است که هر کدام از این دو، انسان را به سوی خیر دعوت می کنند و از بدی باز می دارند، پس ایمان مؤمن را به انجام اطاعت و ترک گناهان آماده می کند و حیاء انسان را از کوتاهی در شکر منعم و از کوتاهی در حق صاحب حق منع می کند. همانطور که انسان باحیا از قول و عمل بد اجتناب و دوری می کند. روی این اصل حیاء از خصلت های نیکو است و همواره به خیر می انجامد. در حدیث آمده «الْحَيَاءُ لَا يَأْتِي إِلَّا بِخَيْرٍ» و در روایتی دیگر آمده «الْحَيَاءُ خَيْرٌ كُلُّهُ» «حیاء همواره به خیر می انجامد و حیاء سر تا پا خیر است». (بخاری و مسلم).

ضد حیاء بذاء است: بذاء بمعنی فحش در گفتار و رفتار و عدم رعایت عفت کلام. انسان مسلمان، فاحش، متفحش، خشن و بیهوده گو، یاوه گو نمی شود. زیرا این گونه صفات از ویژگی های اهل دوزخ اند. و مسلمان به خواست خدا اهل بهشت است، بنابراین در اخلاق او

فحش و بیهوده گویی وجود ندارد. چنانکه رسول خدا می فرماید: «الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ، وَالْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ، وَالْبَذَاءُ مِنَ الْجَفَاءِ، وَالْجَفَاءُ فِي النَّارِ» «حیاء بخشی از ایمان است و صاحب ایمان در بهشت است، بذاء (بی عفتی در سخن و عمل) جفاء است و صاحب جفا در دوزخ است».

الگوی مسلمان در این اخلاق زیبا رسول اکرم صلی الله علیه وسلم است. و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم حیاءش از دوشیزه ای که در حجاب باشد نیز بیشتر بود. ابن سعید این حدیث را از بخاری نقل کرده و در آن آمده است: آن حضرت صلی الله علیه وسلم هرگاه با پدیده نامطلوبی مواجه می شدند، آثارش را از چهره مبارکشان درک می کردیم.

هرگاه مسلمان به رعایت و حفظ اخلاق زیبا و حیاء در میان مردم، دعوت می کند، در واقع بسوی خیر دعوت می کند و بسوی نیکی هدایت می کند، زیرا حیاء بخشی از ایمان است و ایمان سر منشأ تمام فضایل و خوبی ها است و خمیرمایه تمام مکارم و عظمت ها است. در حدیث صحیح آمده است: رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از کنار شخصی رد شد که برادرش را درباره حیا نصیحت می کرد. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «دَعَهُ فَبِئْسَ الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ» «بگذار برادرت را زیرا حیاء بخشی از ایمان است». رسول اکرم صلی الله علیه وسلم با این دستور، امر کرد تا حیاء در مسلمان باقی بماند و از زدودن و بر طرف کردن حیاء منع می کرد. در حدیث آمده است: رسول اکرم صلی الله علیه وسلم اگر یکی از یارانش را از

وصول بعضی از حقوق منع کرد، بخاطر این بود که ضایع شدن بعضی از حقوق مادی بهتر است از اینکه انسان حیاءش را که جزء ایمان و امتیاز انسانی است از دست بدهد. چه زیبا گفته است زنی که فرزندش را گم کرده بود و نزد بعضی رفت و از احوال فرزندش جویا شد، یکی از آنان گفت: بسیار شگفت آور است، در صدد پیدا کردن فرزند گم شده‌اش بر آمده و نقاب بر چهره دارد، یعنی صورتش را پوشانده است، آن زن متوجه این ایراد شد و بلافاصله گفت: «لأن أزرأ فی ولدی خیر من أن أزرأ فی حیائی أیها الرجل» (اگر در مورد فرزندم ضررکنم بهتر است از اینکه دوباره حیاء ضرر کرده باشم). خصلت حیاء، مسلمان را از گفتن حق، طلب کردن علم، امر به معروف و نهی از منکر باز نمی‌دارد، یک دفعه اسامه بن زید، صحابی محبوب رسول الله صلی الله علیه وسلم نزد آنحضرت در مورد زنی که مرتکب سرقت شده بود سفارش کرد، اما حیاء رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را منع نکرد از اینکه در حالت خشم به اسامه بگوید: «أَتَشْفَعُ فِي حَدٍّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ يَا أَسَامَةُ؟ وَإِيْمَ اللَّهُ، لَوْ أَنَّ فَاطِمَةَ ابْنَةَ مُحَمَّدٍ سَرَقَتْ لَقَطَعْتُ يَدَهَا» (ای اسامه تو درباره عدم اجراء حدی از حدود خدا سفارش می‌کنی، بخدا سوگند اگر فاطمه بنت محمد مرتکب سرقت شود، دستش را قطع خواهم کرد).

حیاء ام‌سلیم انصاریه را منع نکرد از اینکه از رسول خدا صلی الله علیه وسلم چنین سوال کند: «يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ، هَلْ عَلَى الْمَرْأَةِ مِنْ غَسْلِ إِذَا هِيَ احْتَلَمَتْ؟» (ای پیامبر خدا! خداوند از گفتن حق حیاء نمی‌کند، آیا اگر زن احتلام شود، غسل بر وی واجب

می‌شود؟» حیاء آنحضرت نیز ایشان را از گفتن حق بازداشت و در جواب فرمود: «نَعَمْ إِذَا رَأَتْ الْمَاءَ» (آری، آبی ببیند غسل بر وی واجب می‌گردد). (بخاری).

روزی عمر رضی الله عنه در مورد سنگینی مهریه زنان در خطبه نماز جمعه صحبت کرد. زنی خطاب به او گفت: ای عمر خدا به ما می‌دهد و تو داری حق ما را منع می‌کنی، مگر خداوند نفرموده است:

﴿وَأَتَيْتُمُ إِحْدَهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا﴾ (النساء: ۲۰). «اگر مال بسیار زیاد به همسران تان داده‌اید، اندکی از آن را پس نگیرید».

آری، حیاء مانع نشد از اینکه این زن صحابه از حقوق زنان دفاع کند، هم چنین حیاء عمر رضی الله عنه را بازداشت از اینکه چنین عذرخواهی کند: «كُلُّ النَّاسِ أُمَّقَةٌ مِنْكَ يَا عُمَرُ». آری، روزی خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی الله عنه در حالی که دو تا پارچه بر تن داشت، پیرامون سمع و طاعت مشغول سخنرانی بود، یکی از حاضران گفت: ای عمر به سخنانت گوش نمی‌دهیم و نه به فرمان تو عمل می‌کنیم، تا زمانی که نگویی این پارچه‌ای که به تن داری از کجا آورده‌ای؟ هر کدام از ما یک پارچه دارد و تو دو پارچه داری. حضرت عمر رضی الله عنه با صدای بلند فرمود: ای عبدالله بن عمر! تو را به خدا سوگند، جواب این شخص را بده. عبدالله گفت: یکی از این دو پارچه مال من بوده که من به پدرم هدیه کرده‌ام، آن مرد معترض گفت: ای عمر! حالا به حرف تو گوش می‌کنیم و از فرمان تو اطاعت می‌کنیم.

آری! برادر و خواهر مسلمان دقت بفرما. چگونه حیاء مرد مسلمان را از گفتن حق منع نکرد و چگونه خلیفه را از اعتراف به حق باز نداشت؟! انسان مسلمان همانطور که از بندگان خداوند احساس شرم و حیاء می‌کند و عورت خود را در جلو آنان ظاهر نمی‌کند. در اداء حقوقی که بر ذمه او واجب هستند نیز کوتاهی نمی‌کند از دادن هیچ گونه خیری به آنان سرباز نمی‌زند، به بدی آنان را مورد خطاب قرار نمی‌دهد و ضرری به آنان وارد نمی‌کند. پس مسلمان از خالق نیز حیاء می‌کند در بندگی او و سپاس از وی کوتاهی نمی‌کند. زیرا معتقد است که خداوند بر او قدرت دارد و نسبت به تمام اوضاع او آگاه است، از ابن مسعود رضی الله عنه مروی است، فرمود: بمعنی واقعی کلمه از خداوند حیاء کنید، سرتان و آنچه که در آن می‌گنجد، شکم و آنچه که در آن هست، را حفاظت کنید و مرگ و روز امتحان را بخاطر داشته باشید. و از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم روایت است: «خداوند شایسته‌تر است که از وی حیا شود». (بخاری).

کامل این حدیث چنین است، ابوهیره می‌گوید: از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم سوال کردم، عورت ما گاهی کشف می‌شود، آن حضرت فرمود: شرمگاه‌تان را حفاظت کنید، مگر از همسر یا کنیزتان، عرض کردم یا رسول الله، هرگاه در جمع دیگران هستیم چطور؟ فرمود: در حد توان سعی کنید تا نگاه دیگران به شرم‌گاه تان نیفتد، عرض شد، اگر در خلوت هستیم، چطور؟ فرمود: خداوند شایسته‌تر است که از وی حیاء شود.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه
أجمعین.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.